

«هرمز» گلوگاه گر سنگی جهان می شود؟



بر اساس آمار حدود ۵ درصد تجارت جهانی محصولات غذایی (غلات، برنج، مواد غذایی بسته بندی و ...) به طور مستقیم از مسیر تنگه هرمز عبور می کند و عملاً بیشتر تجارت بزرگ غلات جهان از مسیرهایی مانند دریای سیاه، کانال سوئز، تنگه مالاکا و اقیانوس اطلس انجام می شود. اما اهمیت واقعی تنگه هرمز برای امنیت غذایی از مسیر انرژی و نهادهای کشاورزی است. به طوری که حدود ۲۰ درصد نفت جهان و نزدیک به ۲۰ تا ۲۵ درصد تجارت جهانی LNG از این تنگه عبور می کند. انرژی

نقش اساسی در تولید غذا دارد؛ از سوخت ماشین آلات کشاورزی گرفته تا تولید کودهای شیمیایی که عمدتاً به گاز طبیعی وابسته اند. علاوه بر این، بخش قابل توجهی از کودهای شیمیایی و محصولات پتروشیمی مرتبط با کشاورزی که در کشورهای حاشیه خلیج فارس تولید می شوند نیز از مسیر تنگه هرمز به بازارهای جهانی صادر می شوند. به همین دلیل، حتی اگر سهم مستقیم عبور مواد غذایی از تنگه هرمز کم باشد، تأثیر غیرمستقیم آن

تأثیر اختلال هرمز بر امنیت غذایی جهان

توان خرید کشاورزان را به پایین ترین سطح در چهار سال گذشته رسانده است. این کاهش ناشی از افزایش شدید هزینه های تولید و حمل و نقل است، امری که به طور جدی قابلیت تداوم برداشت های آینده را به خطر می اندازد.

در همین حال، وابستگی بخش کشاورزی به انرژی های فسیلی نیز بر شدت بحران افزوده است. بهای نفت برنت به حدود ۱۲۶ دلار در هر بشکه رسیده و رشد نرخ گاز طبیعی، هزینه تولید کودهای نیتروژنی را به طور چشمگیری افزایش داده است. این «بحران نهاده ها» به طور مستقیم بر میزان برداشت محصولات اثر می گذارد، زیرا تولیدکنندگان در برابر ناپایداری قیمت ها، مصرف کود را کاهش می دهند.

اگرچه کشورهای اروپایی درحال حاضر سطح تولید نسبتاً پایداری را حفظ کرده اند، اما نگرانی ها نسبت به آینده تولیدات کشاورزی در این منطقه نیز رو به افزایش است. در مقابل، گزارش FAO نشان می دهد کشورهای جنوب جهانی هم اکنون با کمبودهای جدی و ناامنی

امنیت غذایی در معرض خطر است

در آسیا باقی می ماند و چین و هند در یافت کنندگان اصلی آن هستند. شاید کمتر شناخته شده باشد که جریان نفت از خلیج فارس (MEG) صادرکننده عمده کود و مواد اولیه آن است. دریافت کنندگان اصلی شامل هند، برزیل و چین هستند. حدود ۳۵ درصد صادرات کود اوره و ۴۵ درصد از صادرات کودهای گوگردی جهان از تنگه هرمز می گذرد یک سوم از نهاده های تشکیل دهنده انواع کودهای شیمیایی جهان از این نقطه ترانزیت می شود. حدود ۳۵ درصد تجارت نفتی جهان و ۱۴.۵ درصد واردات غذایی منطقه از این تنگه عبور می کند.

اختلال در تنگه هرمز بیش از ۵۰ درصد عملکرد بخش کشاورزی جهان را در کشت بهاره پیش روی تحت تأثیر قرار می دهد. چنانچه در روز ۱۲۶م جنگ، تولیدات ۳ کارخانه کود شیمیایی در هند و ۴ کارخانه در بنگلادش به دلیل فقدان گاز تعطیل شده است. ۶۹ درصد تولید کود اوره وابسته به نوسانات نرخ گاز است که در جنگ صادرات آن مختل شده است. هند ۴۱ درصد، تایلند ۷۱ درصد، افریقای جنوبی ۶۵ درصد و برزیل ۳ درصد به کود اوره منطقه خلیج فارس وابسته اند. اندونزی ۷۰ درصد و چین بیش از ۵۴ درصد گوگرد مورد نیاز تولید کود را از خلیج فارس تأمین می کند. اختلالات گازی بیش از ۴۷ درصد کود اوره را در اروپا گران کرده است. همچنین، این منطقه حجم قابل توجهی سنگ آهن به هند و بنگلادش و همچنین سیمان و کلبتکر به افریقا ارائه می دهد. با توجه به موارد یاد شده اثر موجی افزایش سرسام آور نرخ انرژی بسیار فراتر از بازار نفت خواهد بود. هزینه های بالاتر انرژی، تورم حمل و نقل و تولید را تشدید می کند و مستقیماً بر مصرف کنندگان و تولید کنندگان تأثیر می گذارد. صندوق بین المللی پول تخمین می زند که افزایش یک درصدی نرخ نفت به معنای افزایش ۰.۳ تا ۰.۴ درصدی تورم جهانی است.

بر امنیت غذایی جهان بسیار بزرگ است؛ زیرا هرگونه اختلال در این مسیر می تواند نرخ انرژی، هزینه تولید کشاورزی و در نهایت نرخ جهانی مواد غذایی را افزایش دهد.

بنابراین ادامه بسته بودن تنگه هرمز می تواند پیامدهای قابل توجهی برای بازارهای جهانی انرژی و در نتیجه برای امنیت غذایی جهان داشته باشد. صمت در این گزارش نگاهی تفصیلی به نقش تنگه هرمز در تأمین امنیت غذایی جهان دارد.

شدید غذایی روبه رو هستند و کشورهایمانند هند، بنگلادش، مصر و سودان بیشترین آسیب را متحمل شده اند.

همچنین، محدودیت های اعمال شده بر ناپوری و کاهش صادرات منطقه ای، اثرات زنجیره ای بر بازار جهانی گذاشته و شاخص نرخ مواد غذایی را به طور محسوسی افزایش داده است. به گفته کارشناسان، نوسانات بازار انرژی به صورت مستقیم به بخش کشاورزی منتقل شده و می تواند به بروز بحران گسترده فقر و کمبود مواد غذایی در سطح جهانی منجر شود.

در چنین شرایطی، نهادهای بین المللی مختلف و وزرای کشاورزی در کشورهای مختلف خواستار اقدام فوری برای مدیریت بحران شده اند. هدف، حفاظت از تاب آوری تولیدکنندگان و تضمین تداوم دسترسی به ابزارهای حفاظت از محصولات است تا این دسترسی تحت تأثیر شوک های جهانی و مداخلات نظامی در منطقه مختل نشود. امنیت غذایی میلیون ها نفر در جنوب جهانی به یافتن راه حلی سریع برای این بحران وابسته است.

در اقتصاد جهانی امروز که از قبل مستعد تورم است، چنین افزایشی می تواند بهبودهای شکننده را به رکود تبدیل کند. همچنین افزایش اختلالات لجستیک ناشی از مخاطرات ژئوپلیتیکی ناشی از جنگ تحمیل شده از طرف آمریکا و اسرائیل به ایران تجارت بین المللی در بازارهای باز و شفاف را دشوار ساخته و به افزایش اثرات شوک ها کمک می کند؛ ضمن اینکه خاورمیانه به طور فزاینده ای تحت تأثیر دمای شدید و تنش آبی هم در سال پیش رو قرار دارد که بر توانایی منطقه در تغذیه یکی از سریع ترین جمعیت های در حال رشد جهان تأثیر می گذارد.

بر اساس آمارهای فائو، زمین های قابل کشت در جهان عرب متشکل از ۱۳ کشور حدود ۲۰۰ میلیون هکتار تخمین زده می شود، اما تنها حدود ۳۰ درصد آن کشت می شود. اصولاً در دنیای عرب، بخش کشاورزی به حاشیه رانده شده است و قطعات بزرگی از زمین های حاصلخیز محافظت نمی شوند. با توجه به وابستگی شدید آن به منابع غذایی خارجی، شورای همکاری خلیج فارس و به طور کلی خاورمیانه در صورت ادامه تنش با ایران به طور ماهوی به ویژه در معرض نوسانات نرخ و دسترس بودن ذخایر جهانی مواد غذایی هستند.

سخن پایانی

کشورهای واردکننده مواد غذایی —به ویژه کشورهای در حال توسعه که به واردات انرژی و غذا وابسته اند— بیش از دیگران در معرض آسیب قرار می گیرند. ادامه این وضعیت می تواند به افزایش تورم غذایی، کاهش دسترسی به غذا و در برخی مناطق حتی تشدید بحران های انسانی منجر شود. به همین دلیل، ثبات و باز بودن مسیرهای حیاتی دریایی مانند تنگه هرمز تنها برای بازار انرژی، بلکه برای امنیت غذایی جهان نیز اهمیت زیادی دارد.

تغییر شکل بازارهای جهانی



حسین شیرزاد، تحلیلگر مسائل توسعه اقتصادی کشاورزی

از سال ۲۰۲۲، تقریباً از هر ۵ اقتصاد در دنیا، دو اقتصاد به دنبال چندین سال رشد پایین نرخ مواد غذایی، قیمت های غیرعادی بالای مواد غذایی را تجربه کردند. همه گیری کووید و جنگ در اوکراین و حالا جنگ عوامل پدیدآورنده این شرایط بوده اند. در شرایط فعلی خاورمیانه و مسئله جنگ صهیونی آمریکایی با ایران، قیمت های مواد غذایی را به سطوح بالای تاریخی خواهد رساند و به طور نامتناسبی بر کشورها و خانواده های خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی از تونس تا فیلیپین و هند و اندونزی که قبلاً درگیر هستند تأثیر خواهد گذاشت. از سوی دیگر اخیراً افزایش نرخ مواد غذایی، همراه با تقویت دلار آمریکا، باری مضاعف بر دوش کشورهای واردکننده خالص مواد غذایی وارد کرده است. در تشریح شرایط یاد شده می توان گفت؛ شکاف بین تولید کشاورزی در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و مصرف غذا از سال ۱۹۸۵ به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. کشورهای این منطقه کنترلی بر منابع غذایی خود ندارد و به شدت به واردات وابسته اند. در سال ۲۰۲۲ کشورهای شورای همکاری خلیج فارس حدود ۸۵ درصد از مواد غذایی خود را وارد کرده اند که تقریباً تمام مصرف برنج وارداتی، حدود ۹۳ درصد غلات و تقریباً ۶۲ درصد گوشت و ۵۶ درصد سبزیجات را شامل می شود. اما مواجه با یک جنگ دامسدار با ایران، تنش در تنگه هرمز و باب المنسند و اختلال در زنجیره تأمین و اتکار روز افزون به واردات، این کشورها را در برابر کمبود آسیب پذیر می کند.

خلیج فارس برای دهه ها، عرصه ای برای اصطکاک بین ایالات متحده و ایران بوده است. این موضوع به طور چشمگیری در آخرین روزهای جنگ ایران و عراق برجسته شد، زمانی که نیروی دریایی ایالات متحده در سال ۱۹۸۷ عملیات «اراده راسخ» را برای محافظت از کشتی های متحد ایالات متحده در منطقه آغاز کرد. در عملیات «آخوندک» در آوریل ۱۹۸۸ نیروهای آمریکایی چند روز پس از برخورد شدید یک ناوچه آمریکایی با مین ایرانی در سواحل قطر، نیمی از ناوگان عملیاتی ایران را به شدت آسیب رساندند.

در طول سال ها، در پاسخ به فشارهای خارجی، ایران بارها تهدید کرده است که تنگه هرمز، «مهمترین گلوگاه جهان» را مسدود خواهد کرد. مقامات ایرانی از حضور ایالات متحده در خلیج فارس شکایت دارند و تهران نیروهای دریایی بیگانه آمریکایی را به «آزار و اذیت» و «اقدامات تحریک آمیز» متهم می کند. اما این بار قضیه متفاوت است و ایران مصمم و پرقدرت میل به کنترل کامل و اعاده حق خود بر تنگه هرمز را دارد.

اصولاً در یک نگاه راهبردی، مسیرهای واردات به ویژه در صورت بروز بی ثباتی در منطقه خاورمیانه و شمال افریقا (MENA) در برابر اختلال یا بسته شدن آسیب پذیر هستند. لذا، هرگونه درگیری در تنگه هرمز، حمل و نقل مواد غذایی را مختل می کند و تأثیر مخربی بر امنیت غذایی شورای همکاری خلیج فارس به ویژه برای کشورهایمانند بحرین، کویت و قطر که کاملاً به بنادر خلیج فارس متکی هستند؛ در حالی که ۸۰ درصد یا میزان بیشتری از واردات گندم به ۵ کشور از ۶ کشور شورای همکاری خلیج فارس حداقل از یک نقطه انسداد «منظور تنگه های دریایی» عبور می کند، بنابراین احتمال ریسک «مستقر غذایی» به طور قابل توجهی در بین این کشورها متفاوت است. با دسترسی به دریای سرخ و خلیج عربی، عمان، عربستان سعودی و امارات نسبت به بحرین، کویت و قطر کمتر آسیب پذیرتر از اختلال واردات مواد غذایی در صورت درگیری در تنگه هرمز هستند.

بحرین، کویت و قطر آسیب پذیرترین کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در برابر اختلال در تنگه های دریایی به شمار می روند. حدود ۸۰ درصد گندم وارداتی قطر و تقریباً تمام واردات بحرین و کویت از تنگه هرمز انجام می شود و هیچ مسیر دریایی جایگزینی از دریای عرب به خلیج فارس وجود ندارد. در صورت انسداد تنگه هرمز شوک حاد در تأمین انرژی قابل پیش بینی است.

قیمت نفت خام برنت طی چند هفته از ۱۵۰ تا ۲۰۰ دلار در هر بشکه فراتر خواهد رفت و به سطحی خواهد رسید که از زمان تحریم دهه ۱۹۷۰ مشاهده نشده است و این امر تورم را در چندین اقتصاد وابسته به واردات به بالای ۸ درصد خواهد رساند. از سوی دیگر دو برابر شدن فوری هزینه های سوخت حمل و نقل، سود شرکت های ترابری، هواپیمایی و کشتیرانی را کاهش می دهد و در عین حال هر دو صنعت را مجبور به افزایش قیمت های خود می کند.

فاصله بیشتر از مسیرهای تاکری هنگام استفاده از مسیر دماغه امید نیک ضمن اختلال در زنجیره تأمین کالاهای اساسی کشاورزی منجر به سفری در مجموع ۶۰۰۰ مایل دریایی می شود که مدت سفر را به ۱۰ تا ۱۴ روز افزایش می دهد و باعث افزایش ۴۰ تا ۶۰ درصدی نرخ حمل بار می شود. کشورهای خاورمیانه که به واردات غلات از اروپا و آسیا وابسته هستند، با تأخیر دو هفته ای در حمل و نقل مواجه خواهند شد که کمبود مواد غذایی موجود آنها را بدتر خواهد کرد. به عبارتی تورم و انقباض اقتصادی حتمی است زیرا به دلیل محدود شدن بازارهای مالی و خروج سرمایه، تولید ناخالص داخلی جهانی احتمالاً در کشورهای توسعه یافته ۴ تا ۶ درصد و در بازارهای نوظهور بیش از ۷ درصد کاهش خواهد یافت.

در این میان بانک های مرکزی هنگام مواجهه با تورم باید بین دو گزینه نامطلوب یکی را انتخاب کنند؛ یا می توانند نرخ بهره را برای مقابله با تورم افزایش دهند، اما با خطر رکود اقتصادی عمیق تر مواجه شوند، یا نرخ بهره را پایین نگه دارند تا رشد اقتصادی را حفظ کنند و در عین حال به تورم اجازه دهند که خود را تثبیت کند که این امر باعث کاهش سطح درآمد واقعی خواهد شد.

چالش بانک های مرکزی

در حقیقت بانک های مرکزی که بین مبارزه با تورم و تقویت رشد اقتصادی گیر افتاده اند، با یک معض سیاسی وخیم روبه رو خواهند شد. انقباض پولی ممکن است درست زمانی که بسیاری از اقتصادها امیدوارند به سمت کاهش نرخ بهره حرکت کنند، بازگردد. نتیجه می تواند بازگشت رکود تورمی، ترکیبی سمی از کندی رشد و افزایش قیمت ها باشد. خانوارهای کم درآمد و مشاغل کوچک متحمل بیستین آسیب خواهند شد و باعث تورم غذایی، از دست رفتن مشاغل، کاهش قدرت خرید و تشدید نابرابری در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه می شوند. بنابراین مسدود کردن تنگه هرمز در سال ۲۰۲۶، حمله ای بی سابقه به سیستم اقتصادی سرمایه داری جهانی خواهد بود که باعث بحران غلظت انرژی، بی ثباتی بازارهای مالی جهانی، فروپاشی مالی کشورهای غربی و آشکار شدن آسیب پذیری کشورهای عربی خلیج فارس و زنجیره های تأمین بین المللی می شود.



گروه گزارش

editor@smtnews.ir



ادامه بسته بودن تنگه هرمز می تواند پیامدهای قابل توجهی برای بازارهای جهانی انرژی و در نتیجه برای امنیت غذایی جهان داشته باشد



محدودیت های اعمال شده بر ناپوری و کاهش صادرات منطقه ای، اثرات زنجیره ای بر بازار جهانی گذاشته و شاخص نرخ مواد غذایی افزایش داده است